

## لحن حجازی و لحن عراقی

فاروق ایزدی‌نیا

### مقدمه

در آثار مبارکه دو اصطلاح "لحن حجازی" و "لحن عراقی" به کار رفته است. با توجه به اوضاع جغرافیایی فعلی تصور می‌شود که هر دو به لسان عربی مربوط می‌شود و با توجه به معنای موسیقایی آنها تصور می‌شود که هر دو به زبان فارسی منعطف است. اما در آثار مبارکه، شاید ناظر به هر دو وجه معنای جغرافیایی و موسیقایی، از این دو اصطلاح استفاده شده باشد.

با نگاهی به بیانات مبارکه مشخص می‌شود که مقصود از "لحن حجازی" لسان عربی و "لحن عراقی" زبان فارسی است. جمال مبارک در لوحی می‌فرمایند، "بیانات عربی که به بدایع نغمات حجازی از سماء سلطنت صمدانی نازل شده زیاده از حد احصاء و احاطه اولی‌الالباب است و اما نظر به اختلاف السن و ادراک، بعضی ملتفت مقصودالله نشده‌اند و از مطلوب محبوب و از مراد بی‌مراد مانده‌اند. لهذا در این لوح مختصری از جواهر نصایح الهیه و حقایق مواعظ ربّانیّه به نغمه ملیح عراقی و پارسی ذکر می‌شود تا مرادالله چون شمس مُشرق و صبح صادق بر همه عالمیان واضح و لائح و ظاهر و مبرهن و هویدا شود." (حدیقه عرفان، ص ۷۲)

در کلام دیگر کاملاً تفاوت مزبور را مشخص می‌فرمایند، "... بعضی از عبارات انبیاء به بدائع نغمات حجازی در الواح مسطوره قبل که برای یکی از احباب نوشته شده مذکور گشت و حال هم به تغنیات خوش عراقی نظر به خواهش آن جناب در این اوراق مجدداً ذکر می‌نماییم..." (ایقان، ص ۱۲)

توضیحاً مذکور می‌گردد که مقصود از "الواح مسطوره قبل" بنا به تصریح جناب اشراق خاوری، در قاموس ایقان (ج ۱، ص ۳۵۸)، لوح مبارک "جواهرالاسرار فی معارج‌الأسفار" است که در شرح مراتب سلوک و حلّ و تشریح علامات ظهور موعود به زبان عربی به افتخار یکی از احباء موسوم به سیّد محمد اصفهانی، از تلامذه شیخ مرتضی انصاری و مؤمن به جمال مبارک، عزّ نزول یافته است. در صفحه ۱۷ ایقان مبارک نیز اشارتی دیگر به جواهرالاسرار دارند که، "در اسفار ثلاثه دیگر که منسوب به لوقا و مرقس و یوحنا است همین عبارات مذکور است و چون در الواح عربیه به تفصیل مذکور شد دیگر در این اوراق متعرض ذکر آنها نشدیم و اکتفا به یکی از آنها نمودیم." شرح حال سیّد محمد اصفهانی در گنج شایگان (ص ۲۸ به بعد) به اختصار نقل شده است.

## بدائع نغمات حجازی

در اینجا دو تشبیه به کار رفته است: اول "نغمات". احتمالاً اشاره به موسیقی حجازی دارد و آن (بنا به مندرجات فرهنگ معین) عبارت از دوازدهمین دور از ادوار ملایم موسیقی قدیم و (بنا به مندرجات فرهنگ سخن) حجاز از بخش‌های موسیقی قدیم ایرانی است و گفته‌اند دایره حجازی دایره شصت و چهارم است. سعدی گوید: نمی‌دانند که آهنگ حجازی / فرو ماند ز بانگ طبل غازی. بنابراین، تشبیه کلام الهی به نغمات موسیقی جهت اهتزاز روح انسانی و تقرب او به عالم حقیقی خود است، چه که می‌فرماید، "انا جعلناه مرقاة لعروج الأرواح" (امر و خلق، ج ۳، ص ۳۶۳).

در این مقام این بیان مرکز میثاق شاهد مثال است که می‌فرماید، "ای شهناز به آوازی جانفزا آیات و کلمات الهیه را در مجامع و محافل به آهنگی بدیع بنواز تا قلوب مستمعین از قیود غموم و هموم آزاد گردد و دل و جان به هیجان آید و تبتل و تضرع به ملکوت ابهی کند" (پیام آسمانی، ج ۲، ص ۳۵۶). و در بیان دیگر آهنگ حجاز را با نغمه الهی مقایسه فرموده، اولی را تحت الشعاع ثانی قرار می‌دهد، "ای بارید الهی هر چند سلف در فن موسیقی مهارتی نمودند و الحانی بدیع بسرودند ... در صحرای فراق به آهنگ حجاز ولوله در عراق انداختند، ولی نغمه الهی را تأثیری دیگر و آهنگ آسمانی را جذب و ولهی دیگر. در این عصر طیور انس در حدائق قدس باید آواز شهنازی بلند کنند که مرغان چمن را به وجد و پرواز آرند" (امر و خلق، ج ۳، ص ۳۶۴). لهذا مرکز میثاق میرزا عبداللهمخان معلم موسیقی را تشویق می‌فرمایند که، "موسیقی ناسوتی را تطبیق بر ترتیل لاهوتی کن؛ آن وقت ملاحظه فرمایی چقدر تأثیر دارد و چه روح و حیات رحمانی بخشد" (همان).

نکته دوم آن که حجازی به معنای فصیح نیز آمده است (فرهنگ سخن) و از آن "حجازی سخن" را ساخته‌اند. سخن حجازی سخن فصیح است. لغت عربی نیز در آثار مبارکه به لغت فُصْحی ملقب گشته است. جالب آن که حضرت عبدالبهاء جمع شدن فصاحت با لحن بدیع را مؤثر در نفوس و ارواح می‌دانند: "فصاحت کلام و بلاغت معنی و حلاوت عبارت چون با الحان بدیع جمع شود، بسیار تأثیر نماید. علی‌الخصوص که ترتیل آیات توحید باشد و تمجید خداوند مجید. منتهای جهد و کوشش را مجری دار تا آن که اشعاری در نهایت ملاحظت و حلاوت تنظیم نمایی و به آهنگ ملکوت ترتیل کنی تا مانند بانگ سروش در عقل و هوش شنوندگان تأثیر نماید" (پیام آسمانی، ج ۲، ص ۲۸۶).

## تغنیات خوش عراقی

در اینجا نیز تشبیه کلام الهی به تغنیات اشاره به همان حالت موسیقایی بیان حق است که سبب عروج ارواح می‌گردد. واژه "عراقی" در موسیقی ایرانی (بنا به مندرجات فرهنگ سخن) گوشه‌ای در دستگاه ماهور، دستگاه راست پنجگاه، دستگاه نوا و آواز افشاری از ملحقات دستگاه شور است. اما از الحان قدیم ایرانی نیز بوده است. اما این که در مقابل "حجازی" به معنای عربی، "عراقی" به معنای فارسی می‌آید، احتمالاً منبعث از سبک ویژه ادبیات فارسی است. در فرهنگ سخن آمده که عراقی "ویژگی سبک شعری شاعران فارسی‌زبان در قرن ششم تا اواخر قرن هشتم هجری" است.

از لحاظ پیشینه تاریخی باید دانست که نام این سبک ابداً ربطی به کشور عراق ندارد و مربوط به ناحیه اراک یا عراق عجم است. عراق عجم نام تاریخی ناحیه‌ای در مرکز ایران است که از غرب به کوه‌های زاگرس، از شرق به کویر، و از شمال به کوه‌های البرز منتهی می‌شود.

کرمانشاه، همدان، اصفهان، ری، قزوین و کاشان، قم، تفرش از شهرهای عمده این ناحیه بوده‌اند و سبک عراقی در شعر فارسی منسوب به این ناحیه است. بر اساس کتاب اسناد نام خلیج فارس میراثی کهن و جاودان در مبحث نام‌های سرزمین ایران آمده است که در دوره‌های تاریخی پیش از اسلام ایران مرکزی را ایراکستان می‌گفتند برخی نیز این منطقه را اراک نام گذاری کرده‌اند و آن را کوچک شده واژه ایران می‌دانستند به معنی ایران کوچک، جغرافی دانان و مسالک و ممالک نویسان مسلمان این کلمه را معرب نموده و بر اساس قواعد معرب سازی ک را به ق تبدیل و آن را اراق و عراق ثبت کردند و دشت‌های منطقه غرب زاگرس را که منطبق با سرزمین صاف (فلات) عراق (به غیر از کردستان) را عراق عرب نام نهادند که منطبق با منطقه بابلین دوره باستان است. (ویکی‌پدیا ذیل "عراق عجم")

در باب گوشه "عراق ماهور" در موسیقی ایرانی نوشته‌اند:

"عراق در دستگاه‌های ماهور، نوا، راست پنجگاه و آواز افشاری با ملودی یکسانی اجرا می‌شود و تفاوتشان در فرودها کاملاً به چشم می‌خورد، علاوه بر اینکه عراق ماهور ریتم نسبتاً تندی دارد." (سایت "سلاطین آواز ایرانی: موسیقی سنتی ایران).

## مؤخره

استفاده از عباراتی از قبیل "لحن حجازی" و "نغمات عراقی" گویای توجه طلعات مقدسه به موسیقی در این دور بدیع است. حضرت عبدالبهاء در لوحی به این نکته اشارتی دارند و اسامی موسیقیدانان قدیم ایران را به نحوی ذکر می‌فرمایند که در پایان زیب این مطلب می‌گردد:

## هو الله

ای بارید الهی، هر چند سلف در فنّ موسیقی مهارتی نمودند و الحانی بدیعه بسرودند، شهیر آفاق گشتند و سرور عشاق، ابیات عاشقانه به الحان بیات بنواختند و در انجمن عالم نوانی بلند نمودند، در صحرای فراق به آهنگ حجاز ولوله در عراق انداختند، ولی نغمه الهی را تأثیری دیگر و آهنگ آسمانی را جذب و ولهی دیگر.

در این عصر طیور انس در حدائق قدس باید آواز و شهنازی بلند کنند که مرغان چمن را به وجد و پرواز آرند و در این جشن الهی و بزم ربّانی چنان عود و رودی به سرود آرند و چنگ و چغانه بنوازند که شرق و غرب را سرور و شادمانی دهند و حبور و کامرانی بخشند.

حال تو آهنگ آن چنگ را بلند کن و سرود آن عود بزن که بارید را جان به کالبد دهی و رودکی را آسودگی بخشی، فاریاب را بی‌تاب کنی و ابن سینا را به سینای الهی دلالت نمائی و علیک التّحیة و الثّناء ع (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۵، صص ۲۰۵-۲۰۶)